



سفر رئیس جمهوری آمریکا به آسیای شرقی و ملاقات با رهبر چین چه تأثیری بر نظم آینده شرق آسیا خواهد داشت؟

«نگاه به شرق» به سبک ترامپ



گزارش

دونالد ترامپ هم‌اکنون در سفری چندروزه به شرق آسیا به‌سر می‌برد، سفری که محور اصلی آن آماده‌سازی برای دیدار سران ایالات متحده و چین است. در این سفر، وی با رهبران ژاپن، مالزی، کره جنوبی و کشورهای دیگری در منطقه آسه‌آن دیدار و تلاش کرده ترکیبی از فشار تجاری و سخنان دیپلماتیک را به کار ببرد تا به میز مذاکره با «شی» در روز پنجشنبه برسد. این سفر به نوعی ترکیبی از معامله گری اقتصادی و خودنمایی سیاسی ترامپ جهت بازگرداندن نفوذ از دست رفته ایالات متحده به شرق آسیا در برابر چین است.

در ژاپن، ترامپ با سانی تاکایچی، نخست‌وزیر جدید، قراردادی در زمینه مواد

معدنی کمیاب و گسترش صادرات سویا امضا کرد و همکاری‌های دفاعی در برابر چین و کره شمالی و تجاری را تقویت کرد و در کره جنوبی، ترامپ و رئیس جمهوری لی جائه میونگ بر سر بسته سرمایه‌گذاری ۳۵۰ میلیارد دلاری توافق نهایی کردند تا تنش‌های تعرفه‌ای کاهش یابد. همچنین، در مالزی نیز، بر توافق صلح میان تایلند و کامبوج که ماه‌ها درگیر مناقشه بودند؛ نظارت کرد تا خود را به عنوان میانجی معرفی کند، به طوری که کاخ سفید این رخداد را نشانه‌ای از «بازگشت رهبری ایالات متحده در آسیا» اعلام کرد. در واقع، برخی سفر ترامپ به اجلاس آسه‌آن را فرصتی طلایی برای او می‌دانند تا از این طریق خود را به عنوان یک معامله‌گر معرفی کند. باتوجه به اینکه بسیاری از کشورهای عضو آسه‌آن اقتصادهای وابسته به صادرات دارند، ایالات متحده سعی می‌کند خود را

به عنوان بازیگری کلیدی به کشورهای شرق آسیا معرفی کند. علاوه بر تایلند و کامبوج، مالزی و ویتنام نیز با ایالات متحده توافقاتی امضا کردند و در حالی که آنها نتوانستند نرخ تعرفه‌ها را تغییر دهند، موفق شدند برای معافیت برخی کالاها مذاکره کنند. آسه‌آن که در سال ۱۹۶۷ به عنوان سدی در برابر کمونیسم تشکیل شد، در نشست اخیر تلاش کرد به عنوان بستری برای گفت‌وگوی دیپلماتیک و مذاکرات تجاری عمل کند. در این نشست، علاوه بر ترامپ رهبران چین، شورای اروپا، کانادا، برزیل و آفریقای جنوبی نیز شرکت کردند. این گروه در طول سال‌ها دستاوردهایی در جبهه اقتصادی داشته است، از جمله توسعه اقتصادی یکپارچه‌تر در سراسر منطقه و دستیابی به توافقنامه‌های تجارت آزاد با سایر قدرت‌های جهانی. اما بسیاری به طور فزاینده‌ای اثربخشی آن را در حل مسائل منطقه‌ای، از آلودگی هوا ناشی

چگونه جنگ تریاک به ادراک چین در جنگ تجاری با آمریکا شکل می‌دهد؟

پکن «قرن تحقیر» را فراموش نمی‌کند

دیدگاه

در حالی که شی جین‌پینگ، مردی که اکنون رهبری تلاش چین برای پیشی گرفتن از ایالات متحده را برعهده دارد، در یکی از استان‌های ساحلی در صفوف حزب کمونیست بالا می‌رفت، شعری را روی میز کار خود نگه می‌داشت که به درک دلیل مقاومت سرخ‌تانه‌اش در برابر ترامپ در جنگ تجاری میان دو کشور کمک می‌کند.

شعری که نابودی تریاک بریتانیایی در سال ۱۸۳۹ را به‌عنوان عملی که «روح عدالت، ملت ما را برافراشت» ستایش می‌کند: «اگر به سود ملت باشد، در راهش زندگی می‌کنم و در راهش می‌میرم».

این شعر، سرودی مبین‌پرستانه در ستایش از قدسات منافع ملی است و توسط لین زه‌شو، کمیسر امپراطوری اهل استان ساحلی فوجیان نوشته شده است؛ مردی که در اوایل قرن نوزدهم بر تجارت خارجی چین نظارت داشت. او امروز در کتاب‌های درسی چین و در سخنرانی‌های شی جین‌پینگ به‌عنوان قهرمان ملی ستوده می‌شود، زیرا در مواجهه با بریتانیا، ابرقدرت آن زمان، در نزاعی بر سر تجارت ایستادگی کرد.

ن رویارویی که با تلاش‌های «لین» برای متوقف کردن قاچاق تریاک آغاز شد، برای چین فاجعه‌بار پایان یافت؛ شکست نظامی سنگینی که کنترل هنگ‌کنگ را به بریتانیا واگذار کرد و بنا به روایت چینی‌ها، آغازگر «قرن تحقیر» بود؛ لکه ننگینی در تاریخ چین که زدودن آن از زمان به قدرت رسیدن شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۲، به یکی از مهم‌ترین اهداف او تبدیل شده است.

در حالی که «شی» خود را برای دیدار روز پنجشنبه در کره جنوبی با رئیس جمهوری ترامپ آماده می‌کند، شرم تاریخی چین بار دیگر سنگینی خود را نشان می‌دهد. دیداری که شکاف میان این دو رهبر را برجسته

الگوی شی در مقابله با غرب کیست؟

زادگاه لین زه‌شو در فوجو، پایتخت استان فوجیان، به نوعی «بیت لحم ناسیونالیسم مدرن چین» بدل شده است؛ اتاق کوچکی

که گفته می‌شود او در آن متولد شده، اکنون بخش مرکزی مسیر میراث فرهنگی‌ای است که با حمایت دولت برای تجلیل از روح مبین‌پرستی خلل‌ناپذیر او طراحی شده است. مانو لی لن، تاریخدان اهل فوجو و مشاور بنیاد لین زه‌شو، می‌گوید

درس رویارویی لین با بریتانیا روشن است: «هرگز در برابر فشار خارجی سر خم نکن و هیچ‌گاه موضع برتر اخلاقی را واگذار نکن.» او افزود: «اگر لین -که بین سال‌های ۱۸۳۹ تا ۱۸۶۱ در گوانگجو خدمت می‌کرد- امروز زنده بود، هرگز خواسته‌های آمریکا را نمی‌پذیرفت.»

مانو گفت: «او همیشه در جانب حق ایستاد. این آمریکاست که این جنگ را آغاز کرد، نه چین.»

خواهند کرد. خبرگزاری‌ها اعلام کرده‌اند که این دیدار در حاشیه اجلاس APEC انجام می‌شود و دو طرف قصد دارند «گفت‌وگوی عمیق درباره مسائل استراتژیک و بلندمدت» داشته باشند.

دو کشور در نزاع‌های صنعتی، فناوری، تعرفه و کنترل صادرات مواد استراتژیک مانند عناصر خاکی کمیاب در تقابل جدی هستند و در عین حال، هر دو طرف به وضوح علاقه‌مند به جلوگیری از تشدید جنگ تجاری هستند و شاخصه‌هایی از مصالحه نیز در پیش‌نویس چهارچوب توافق دیده شده است. در نگاه چین، این دیدار فرصتی است برای اثبات اینکه فشارهای اقتصادی و محدودیت صادراتی می‌تواند واشنگتن را به عقب بنشانند، رویکردی که تحلیلگران آن را «اصلاح رویکرد آمریکا از بالا» تعبیر کرده‌اند. برای ترامپ، رسیدن به توافقی ولو موقت به‌عنوان دستاورد سیاسی مهم جلوه می‌کند؛ او بارها گفته است که چشم‌انداز «توافق بزرگ» میان چین و آمریکا وجود دارد. به اعتقاد کارشناسان، از کلیدی‌ترین مسائلی که احتمالاً در این دیدار مطرح می‌شود، سیاست تعرفه‌ای و کاهش تدریجی تعرفه‌های متقابل، کنترل صادرات چین بر عناصر خاکی کمیاب، واردات محصولات کشاورزی آمریکا مثل سویا، همکاری با فشار علیه جریان فن‌تایل، احتمالاً بحث فناوری و سیاست برای شرکت‌هایی مانند تیک‌تاک و احتمالاً تلاش برای حفظ وضعیت موجود در موضوعاتی حساس مانند تایوان خواهد بود.

دیدار در سایه دیوار بی‌اعتمادی

ملاقات رهبران آمریکا و چین در کره جنوبی در حالی برگزار می‌شود که روابط واشنگتن-پکن آمیخته به بی‌اعتمادی عمیق است. دیدار امروز رقابت ژئواقتصادی میان دو قدرت را کاهش نخواهد داد بویژه در اتمسفری که روابط دو کشور در ماه‌های اخیر به پایین‌ترین سطح از زمان آغاز جنگ تجاری رسیده است. تعرفه‌های سنگین متقابل، کنترل صادرات چین بر فلزات استراتژیک و تهدید ترامپ به تعرفه ۱۰۰درصدی جدید، همگی بیانگر تشدید جنگ اقتصادی است.

ترامپ در تلاش است تا از مسیر معاملات اقتصادی، به بهبود عملی راهبرد «اول آمریکا» را در جهان به رقای خود تبدیل و تثبیت کند، در حالی که پکن به دنبال تثبیت موقعیت خود در نظام چندقطبی و کاهش نقش آمریکا به‌عنوان قدرت مسلط است. بنابراین، دیدار رؤسای جمهوری چین و ایالات متحده به معنای پایان بحران نخواهد بود، بلکه احتمالاً آغاز دور تازه‌ای از رقابت واشنگتن-پکن برای نظم‌سازی در شرق آسیا را کلید برند.

برش



عمومی چین -که در مرکز جدال‌های پکن واشنگتن بر سر فن‌تایل قرار دارد- از «هومن» و موزه‌ای که در آنجا به بزرگداشت اقدامات ضد مواد مخدر لین در قرن نوزدهم اختصاص یافته است، بازدید کرد. وزیر، با سوگند به اجرای «جنگ پیروزمندانه مردمی علیه مواد مخدر در عصر جدید»، اعلام کرد که تمام چینی‌ها باید «روح لین زه‌شو را پاس دارند و آن را تداوم بخشند.»

شی جین‌پینگ با شور و حرارت ویژه، از الگوی آن مقام سلسله چینگ الهام گرفته است. او در طول هفده سال حضورش در استان فوجیان، شخصاً بر بازسازی مکان‌های مرتبط با لین زه‌شو نظارت داشت. از جمله خانه‌ای که در آن متولد شد و تالار یادبودی که به خانواده‌اش اختصاص دارد.

امروزه این تالار به مجموعه‌ای بزرگ از نمایشگاه‌ها تبدیل شده که بر «دغلباری غرب»، «ایستادگی برصلاطت لین» و آنچه بر سنگ‌نوشته‌ای در حیاطی پوشیده از درختان، «مبارزه بی‌وقفه چین با تجاوز خارجی» خوانده می‌شود، تأکید دارد. همسو با دیدگاه شی مبنی بر اینکه چین باید نسبت به غرب گشوده باشد اما طبق شرایط خود، نمایشگاه‌ها همچنین از لین به خاطر ترویج علم و فناوری غربی به‌عنوان ابزاری برای تقویت چین تمجید می‌کنند. در امتداد سیاست کنونی چین برای واداشتن دونالد ترامپ به عقب‌نشینی از تعرفه‌ها از طریق محدود کردن صادرات مواد معدنی نادر که برای تولیدات مدرن حیاتی‌اند، لین نیز در قرن نوزدهم تلاش داشت تا تهدید به توقف صادرات کالاهای که برای غرب ضروری می‌دانست، بر بریتانیا و دیگر کشورهایی که در تجارت غیرقانونی

منبع: New York Times

بدون روتوش



محمدحسین فاقهی کارشناس مسائل فلسطین

جداسازی حماس از جامعه غزه ممکن است؟

نئومی نیومن، رئیس سابق واحد تحقیقاتی در اندیشکده امنیت ملی اسرائیل به همراه مارکولین، پژوهشگر ارشد و استاد دانشگاه جورج تاون یادداشتی در اندیشکده آمریکایی واشنگتن نوشته‌اند که مسأله یادداشت آنها، راه حل حذف حماس است.

این یادداشت با این مسأله آغاز می‌شود که طرح ۲۰ بندی ترامپ به وضوح تعریف نکرده است که «مقابله با افراطی‌گری» دقیقاً شامل چه مواردی است و استراتژی‌ای برای کاهش نفوذ ایدئولوژیک و نهادی حماس پس از نزدیک به دو دهه حکومت، ارائه نمی‌دهد. لذا خیلی زود به سراغ اصل مطلب می‌رود و بر نکته‌ای اشاره می‌کند که در ماه‌های اخیر از سوی صهیونیست‌ها، تحلیل‌گران و اندیشمندان زیادی مطرح شده و در یادداشت‌های مختلف ستون بدون روتوش هم به آن اشاره کرده‌ایم. نکته مورد اشاره این است که راه‌ی برای حذف حماس بدون حذف پایگاه اجتماعی این جنبش در بستر جامعه نوارغزه ممکن نیست.

برای اتفاق این مسأله چندین تحول و تغییر را مفصل در این یاداشت دنبال می‌کنند که عبارتند از: قطع ارتباط امنیتی، قطع ارتباط سرزمینی و نهادی، بازسازی اجتماعی-نهادی و در نهایت تحول».

مورد اول یعنی قطع ارتباط امنیتی میان حماس و بدنه اجتماعی غزه، بسیار به آنچه در لبنان دنبال می‌شود نزدیک است. در یادداشت آمده است که گام‌های خاص در این فرایند باید شامل ایجاد سایت‌های جمع‌آوری متمرکز سلاح، استقرار نیروهای امنیتی فلسطینی تأییدشده و آموزش دیده، وضع قوانین که اصل «یک اقتدار، یک قانون، یک تفنگ» را تثبیت می‌کند و بازیابی تدریجی زیرساخت‌های مدنی باشد. به موازات آن، کنترل‌های مرزی و مکانیزم‌های نظارتی – به ویژه در امتداد مرز مصر و غزه – باید برای جلوگیری از قاچاق سلاح و تقویت اعتماد عمومی به روند غیرنظامی‌سازی اجرا شوند. دو نویسنده این یادداشت به دقت بر این نکته تأکید می‌کنند که خلع سلاح باید در پازل اعتمادسازی روند غیرنظامی‌سازی و همراهی می‌تواند این اعتماد و فشار را بسازد.

مورد دوم، قطع ارتباط سرزمینی و نهادی است. این مرحله شامل مواردی از جمله تفکیک میان شاخه نظامی و غیرنظامی مرتبط با حماس، قطع بازوی رسانه‌ای و اجتماعی حماس و همچنین انحصار مرجع اطلاعاتی و ارتباطات غزه در دست دولت تکنوکرات است. مشخص است که نویسندگان به خوبی از مؤلفه قدرت اجتماعی و نهادهای‌های حماس در دو دهه اخیر در غزه و نقش آنها در اقتدار سیاسی و اجتماعی این جنبش به خوبی مطلع‌اند و می‌دانند بدون خلع قدرت رسانه‌ای و اجتماعی، کنترل حماس ممکن نخواهد بود.

مورد سوم، بازسازی اجتماعی- مدنی است. در این مرحله پس از کنترل اتمسفر منطق و اجتماعی‌سازی حماس در نوار غزه، باید به دنبال جایگزینی جدید در نوار غزه بود. در این مرحله باید مؤلفه‌های قدرت حماس هم حذف شوند. نویسندگان تأکید دارند که بازسازی باید فراتر از خدمات اولیه شامل نابودی نفوذ حماس در داخل نهادهای دولتی، ایجاد یک اقتصاد عادلانه و تأسیس یک قوه قضائیه مستقل باشد. تمرکز باید به سرعت به سمت سرمایه‌گذاری در زیرساخت، اشتغال، آموزش و جامعه مدنی معطوف شود.

در ادامه تأکید می‌شود که «فرآیند پاکسازی حماس از نهادهای حاکمیتی باید تدریجی باشد، با شروع از آسیب‌پذیرترین بخش‌ها و گسترش به قوه قضائیه و دستگاه امنیتی. بدون آن، هیچ بنیادی برای تغییر واقعی وجود نخواهد داشت.»

تأکید بر قوه قضائیه از مواردی است که کمتر در رسانه‌ها به آن پرداخته می‌شود اما نهادهای ویژه حماس در موضوعات قضایی و رضایت مردم بر پایه احکام اسلامی از مؤلفه‌های کمتر پرداخته شده در نوار غزه و اقتدار اجتماعی حماس است.

مورد چهارم، تحول است: «تلاش هماهنگ برای تغییر انگیزه در جمعیت غزه برای کاهش حمایت از حماس.» منظور از این تحول، تغییر تفکر و نگرش اهالی نوار غزه است. البته به دقت در مطلب اشاره شده است که «روایت‌های مؤثر بر اساس ترس ساخته نمی‌شوند، بلکه بر هویت و معنا استوارند. برای برچیدن ایدئولوژی‌های جهادی، صرفاً رد کردن آنها کافی نیست. در ادامه تأکید می‌کند که در مورد غزه، معیارهای موفقیت باید بر تمایل عمومی برای حمایت از یک جایگزین حاکمیتی به جای حماس، آمادگی آنها برای مشارکت در تلاش‌های بازسازی و غیرنظامی‌سازی و خودداری آنها از کمک به حماس در بازسازی قابلیت‌های نظامی یا جذب اعضای جدید متمرکز شود.»

اما سؤال اینجاست که جامعه‌ای قرآنی با اتمسفر خالص اسلام سیاسی همراه با یک تجربه تاریخی طولانی مدت و لمس ذات و کنش رژیم صهیونیستی را آیا می‌توان به سادگی از پرادایمی به پارادایم جدیدی منتقل کرد؟



در نگاه چین،

این دیدار

فرصتی است

برای اثبات

اینکه فشارهای

اقتصادی و

محدودیت

صادراتی

می‌تواند

واشنگتن را به

عقب بنشانند،

رویکردی که

تحلیلگران

آن را «اصلاح

رویکرد آمریکا

از بالا» تعبیر

کرده‌اند